

چه تلخ است که مریوان زریبار را از دست بدهد!

۵

فارسی



ویژه نامه خبری - زیست محیطی چیا • سال سوم • بهمن ماه ۸۹ • شماره ۶۵ رایگان

کوردی

چشم سنجاب همیشه به دنبال شکارچی است!

۳

استاندار گردستان:

مدیران گردستان
نسبت به تخریب
محیط زیست بی
تفاوت نباشند

۲

زیست محیطی منظم، نظارت قاطع و
استفاده خردمندانه!

بیانیه ۲۸ انجمن زیست محیطی غرب کشور برای رفع معطل سد زریبار

این گونه مارماهی با اقیانوس در ارتباط بود. در سطح تالاب و در اطراف آن نیز تغییرات بسیار هولناکی به سبب این سد غیر مشمولانه در حال شکل گرفتن است که به سرعت زریبار و مجموعه آن را رو به نابودی و مرگ می برد؛ از جمله کشاورزی اطراف دریاچه که گاما بعضی از زمین داران برای افزایش سطح زیر کشت، دریاچه را با خاک پر می کنند. قبل از بستن سد بر روی زریبار، مزاد آب چشمه های جوشان زیر آن از طریق مجاري طبیعی به بیرون هدایت می شد. با خارج شدن آب، مقدار زیادی از املاح و رسوب حاصل از سیلاب و فاضلاب های مختلف و سوم شیمیابی ناشی از کشاورزی در اطراف دریاچه به خارج هدایت می شد و همچنین با حفظ ارتفاع آب از شدت جریان چشمه ها کاسته شده و جریان عادی خود را داشتند. متأسفانه بعد از ایجاد سد و با توجه به خشکسالی سال های اخیر، تالاب زریبار که چند سالی است را کد می باشد، هر روز بر غلظت مواد شیمیابی داخل آن افزوده شده و بار میکروبی آن نیز به طبع بالا رفته است که باید میزان آن مداما بررسی گردد.

لذا بدینوسیله از مسئولین گرامی خواستار بررسی جدی معoplات به وجود آمده از سوی این سد بر اکو سیستم زریبار در این سال ها بوده و امیدواریم با واکاوی علمی برداشتن این سد و تاثیرات آن بر آینده تالاب، این معطل زیست محیطی و تاثیرات مغرب آن پایان یابد.

۱- انجمن حیات سبز سر زمین (همدان) ۲- موسسه نبض سبز حیات (همدان) ۳- انجمن دوست داران حیات و حشر ایران (همدان) ۴- موسسه هستی سازان الوند (همدان) ۵- تعاونی دوست داران محیط زیست سولدوز تقده (آذربایجان غربی) ۶- انجمن جبهه سبز تقده (آذربایجان غربی) ۷- تعاونی حفظ محیط زیست مهاباد (آذربایجان غربی) ۸- جمعیت سبز اندیشان بیستون (کرمانشاه) ۹- انجمن انسان و زمین (کرمانشاه) ۱۰- جمعیت پراو (کرمانشاه) ۱۱- انجمن سبز چیا (کردستان) ۱۲- انجمن زنان زمین و توسعه پایدار (کردستان) ۱۳- انجمن زیست محیطی کاریزه (کردستان) ۱۴- موسسه سبز پژوهان الوند (همدان) ۱۵- انجمن سبز سقز (کردستان) ۱۶- انجمن زندگی سبز بو تک (ایلام) ۱۷- موسسه یاران سبز خرم آباد (رسان) ۱۸- انجمن موج سبز ازنا (رسان) ۱۹- انجمن پیشگامان سبز بروجرد (رسان) ۲۰- انجمن برگ سبز دورود (رسان) ۲۱- انجمن یاوران محیط زیست سیمراه (ایلام) ۲۲- انجمن موج سبز (ایلام) ۲۳- انجمن همیشه سبز بهار (ایلام) ۲۴- انجمن همیاران سبز ایوان (ایلام) ۲۵- انجمن میراث آلام تو (ایلام) ۲۶- انجمن شنه پای زمین (ایلام) ۲۷- انجمن حمایت از محیط زیست دره شهر (ایلام) ۲۸- انجمن سراب سبز قرهوه (کردستان).

تالاب زریبار را همگان به نام زیبایی خاص خود و چشممه های جوشان و آب شیرینش می شناسند. این تالاب یکی از محدود تالاب های ایران و خاورمیانه می باشد که دارای چنان تنوع زیستی است که هر کدام از آن ها از نظر زیست محیطی و جهانگردی ویژگی خاص خود را داردند. می توان با مدیریت صحیح و استاندارد از این منابع پر اهمیت نهایت استفاده و بهره برداری را نمود. زریبار با تمام زیبایی هاییش مامن و قرار گاه بسیاری از جانداران است که خانه آن ها را باید حفظ کرد. متأسفانه در زریبار چنین امری در کار نیست و یا اگر هست بسیار کم و ناچیز می باشد و اگر وضع به همین منوال پیش برود بسیاری از جانوران وابسته به دریاچه از بین خواهند رفت. چنانچه می دانیم در حیات وحش، زندگی به گونه ای است که هر جزی از طبیعت رعایت حال گونه های دیگر را کرده و به همدیگر سود می رسانند. متأسفانه انسان تنها موجودیست که همه چیز را نابود می کند تا چند صیاحی زندگی کند، بدون آن که برای بقای نسل آینده خود فکری بکند، هر آن چه را که در سر راهش قرار می گیرد از بین می برد. از جانداران تالاب زریبار و رودخانه های متصل به آن انواع کپورماهی ها هستند. کپورماهیان رودخانه های "گردن" و "کلین کهوه" جهت گذران زمستان و رهایی از آب های گل آسوده رودخانه ها، به تالاب زریبار مهاجرت می کردند و با این صورت به بقای خود ادامه می دارند.

۲- تالاب های دریاچه ای، تالاب هایی هستند که حالت دریاچه ای دارند.

۳- تالاب های دریاچه ای، با تالاق های لجن زار، زمین های خیس و باتلاقی و زمین های گندابی مجرا از هم را شامل می شود.

بر طبق آخرین گزارشات رسیده، ثبت زریبار به عنوان یک تالاب به پایان رسیده و قرار است این خبر در موسامی در اسفند ماه سال جاری اعلام شود. امید است با توجه به قانون های مربوط به حفاظت از تالاب ها و نظارت سازمان های بین المللی شاهد مدیریت منظم، نظارت قاطع و استفاده خردمندانه از این تالاب منحصر به فرد باشیم.

ویژه نامه این شماره:

"روز جهانی تالاب ها"



های بعضی از ادارات و سازمان‌های دولتی در راستای تخریب محیط زیست، بیان داشت: متسافانه بعضی از ادارات و سازمان‌های دولتی در شهرستان‌ها نسبت به وضعیت محیط زیست بی تفاوت‌اند که باید با فرهنگ سازی همه را نسبت به حفاظت از این سرمایه ملی تشویق و ترغیب کرد.

پذیرایی از جانوران زریبار

به گزارش کمیته دفاع از حیوانات انجمن سبز چیا، در ساعت ۱۵ روز دوشنبه، مورخ ۱۴/۱۱/۸۹، اعضا انجمن و دوست داران طیعت، با دستانی پر از غذا به آغوش تالاب زریبار رفتند. این حرکت شایسته با خیر مقدم از حضار و تعین مسیر توسط آفای بهروز داروند از اعضای هیات مدیره انجمن سبز، از میدان بیساراتی شروع شده و در ادامه تمام حواشی تالاب در محوطه گردشگری زریبار تحت پوشش قرار گرفت. این حرکت با هدف جلب توجه افکار عمومی به تالاب زریبار و همچنین تشویق مردم به حفاظت از تمامی جوانب زیستگاه این تالاب زیبا صورت پذیرفت. از آن‌جا که پرندگان و سایر جانداران دیگر نیز پیوندی ناگستینی با تالاب زریبار دارند و با توجه به یخ‌بندان اخیر سطح آب و پوشیده شده سطح زمین با برف، این حرکت گامی موثر در پاسداشت و حفاظت از زریبار به شمار می‌آید. لازم به ذکر است که چندین اکیپ نیز با ماشین اطراف زریبار را پوشش دادند و در جای جای حاشیه این تالاب در لب تغذیه جانوران پرداختند. این مراسم با سخنرانی آقای محمد ناجی کانی سانانی خاتمه یافت. سخنران انجمن در شروع و پایان مراسم خاطر نشان کردند که فقط با این حرکت جانوران و به طبع آن تالاب زریبار نجات پیدا نخواهد کرد و حضار و عموم مردم را به تکرار و انجام چنین امور پستنده‌های تشویق کردند.

سترانی ژینگه

مراسم "سترانی ژینگه" در عصر روز چهارشنبه مورخ ۲۹/۱۰/۸۹ در سالن مجتمع فرهنگی هنری ارشاد اسلامی مریوان برگزار شد. این مراسم با حضور جمع کثیری از مردم و در پی فراخوان انجمن فرهنگی - ادبی و انجمن سبز چیا مریوان شروع شد. پس از خیر مقدم این دو انجمن، آثار انتخاب شده توسط کمیته بررسی آثار، از سوی نگارنده‌گان قرائت گردید. در میانه‌ی این مراسم کلیپی از تصاویر آتش سوزی جنگل‌ها و مراتع و کوشش اعضای انجمن سبز چیا و دوستداران طبیعت پخش شد که مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. همچنین آقای مختار محمدی از بازیگران توانای تاثر شهر مریوان با اجرای نمایشی در مورد وضعیت اسفناک زریبار و تفرجگاه‌های مریوان، توجه حضار را جلب نمود. این مراسم با شکوه در ساعت ۱۷:۳۰ پایان یافت.

داشت: خوب‌بختانه در این حوزه کردستان یکی از مناطق پیشرو در کشور به شمار می‌رود و باید با حمایت از سازمان‌های مردم نهاد و غیردولتی در این راستا تلاش کرد. وی با اشاره به آتش‌سوزی‌های تابستان امسال در جنگلهای مریوان و سروآباد گفت: متسافانه به دلیل شرایط جوی و همچنین سواستفاده‌های مختلف، شمار آتش‌سوزی‌ها در استان کردستان طی فصل تابستان به ویژه در شهرستان‌های مریوان و سروآباد نگران کننده بود و مانیز باید از همین امروز برنامه ریزی را برای مقابله با این وضعیت در سال آینده انجام دهیم. استاندار کردستان خواستار مشارکت و همراهی بیشتر مردم به ویژه اعضای سازمان‌های مردم نهاد در راستای حفاظت از محیط زیست شد و خاطرنشان کرد: ما سازمان‌های مردم نهاد را در کنار دولت و به عنوان همکار نگاه می‌کنیم و شما نیز باید این دیدگاه را نسبت به مسئولان داشته باشید.

ثبت ۸۷۴ مورد آتش سوزی در جنگلهای مریوان و سروآباد

عضو سازمان مردم نهاد چیا، از ثبت ۸۷۴ مورد آتش سوزی طی سال ۸۹ در جنگلهای دو شهرستان مریوان و سروآباد خبر داد.

به گزارش خبرنگار مهر در سنتنج، ایرج قادری شامگاه شببه در جریان دیدار تعدادی از اعضای سازمان‌های مردم نهاد حوزه محیط زیست با استاندار کردستان، اظهار داشت: از ابتدای سال جاری تاکنون ۸۷۴ مورد آتش سوزی در جنگلهای و مراتع شهرستان‌های مریوان و سروآباد ثبت شده است.

وی عنوان کرد: این میزان آتش سوزی با حضور و مشارکت اقسام مختلف مردم و همچنین اعضای انجمن سبز چیا در شهرستان‌های مریوان و سروآباد خاموش و کنترل شده است که البته در شماری از این اتفاقات ما شاهد حضور دستگاههای دولتی نیز بوده‌ایم ولی به دلیل نبود امکانات و تجهیزات مناسب این حضور تاثیرگذار نبوده است. عضو انجمن سبز چیا گفت: اعضای این انجمن و سایر سازمان‌های مردم نهاد حوزه محیط زیست در استان کردستان تنها در راستای همکاری و کمک به دستگاه‌های دولتی در مقابل تخریب های صورت گرفته در محیط زیست فعالیت می‌کنند که متسافانه گاهی اوقات به دلیل سلیقه‌های شخصی ما مورد اتهامات دیگری نیز قرار می‌گیریم. وی افزود: متسافانه در حال حاضر میزان کمک‌های دولتی به سازمان‌های مردم نهاد در استان کردستان بسیار ناچیز است و می‌طلبد که در این بخش با توجه به نظر و دیدگاه مساعد استاندار شاهد اقدامات و برنامه ریزی‌های بهتری باشیم.

یکی از اعضای انجمن سراب سبز قروه نیز با اشاره به تصمیم

محیط زیست کردستان از سازمان‌های مردم نهاد حمایت می‌کند

به گزارش خبرنگار مهر در سنتنج، خیرالله مرادی شامگاه چهارشنبه در جریان دیدار جمعی از اعضای سازمان‌های مردم نهاد حوزه محیط زیست با استاندار کردستان اظهار داشت: استان کردستان در حوزه گونه‌های نادر گیاهی و جانوری بسیار غنی است ولی محیط زیست کردستان با کمبود متخصص در راستایی شناسایی آن‌ها مواجه است. وی عنوان کرد: علیرغم تمامی اقدامات و برنامه‌ریزی‌های لازم طی چند سال اخیر و شناسایی گونه‌های متعدد جانوری و گیاهی، ولی همچنان شمار زیادی گونه نادر جانوری و گیاهی ناشناخته مانده است که باید با اختصاص اعتبار مناسب ملی و استانی در این حوزه اقدامات و برنامه‌ریزی جدی‌تری را انجام داد.

مدیر کل حفاظت محیط زیست استان کردستان خاطرنشان کرد: شمار گونه‌های گیاهی در استان کردستان به اندازه کل قاره اروپاست که می‌طلبد با توجه به این استعداد ویژه در راستایی شناسایی و همچنین تلاش برای حفاظت از آن‌ها اقدامات و برنامه‌ریزی‌های جدی‌تری را با مشارکت عمومی انجام داد. مرادی با اشاره به وضعیت کنوئی همکاری و مشارکت مردم بیان داشت: خوب‌بختانه هم اکنون چندین سازمان مردم نهاد با مشارکت جوانان در استان فعالیت می‌کنند و محیط‌زیست کردستان نیز به صورت ویژه از این سازمان‌ها حمایت می‌کند.

مدیران کردستان نسبت به تخریب محیط

زیست بی تقاضا نباشد

خبرگزاری مهر: استاندار کردستان علیرضا شهبازی شامگاه چهارشنبه و در جریان دیدار با جمعی از اعضای سازمان‌های مردم نهاد حوزه محیط‌زیست استان، اظهار داشت: تمامی مدیران ادارات و سازمان‌های دولتی استان کردستان نباید در مقابل تخریب و ضربه زدن به محیط زیست بی تفاوت باشند و انتظار داریم که در این حوزه با قاطعیت برخورد و ورود پیدا کنند. وی عنوان کرد: تخریب محیط زیست مساوی است با خطرانداختن جان تمامی موجودات زنده در زمین و به همین دلیل همه ما به عنوان یکی از اعضای این جامعه وظیفه داریم که در مقابل تخریب محیط زیست ایستادگی کنیم که البته مسئولان وظیفه‌ای خطری‌تری به دلیل جایگاه مدیریتی بر عهده دارند.

استاندار کردستان در ادامه با تقدیر از مشارکت فعالانه مردم استان در راستای مقابله با تخریب‌های صورت گرفته در محیط زیست توسط افراد سودجو و فرصت‌طلب، بیان

چشم سنجاب همیشه به دنبال شکارچی است!

گردآورنده: ایرج قادری

گذشته‌ای روشن تر از آینده! فایق محمدی

روزگار چندان دوری نبود... در حدود بیست سال پیش، آسمان به پیژه در اوخر فصل بهار از وفور پرستوها سیاه می‌نمود. گاه ارتفاع پروازشان آنقدر کم بود که گویی خود را مشترک جغرافیای شخصی ما می‌دانستند، آری آن‌ها به عنوان اعضا خانواده انسان‌های روزگار خودشان پذیرفته شده بودند، از پدرانمان شنیده‌ایم که دسته‌های "کل و بز کوهی" به مانند حیوانات اهلی بر کوه‌های این سرزمین پرسه زده‌اند. اما حالا چه؟! چه شده که این گونه نامحرم شده‌ایم؟؟؟ چه شده که آن دوستی ارگانیک تبدیل به رابطه شنیع غالب و مغلوب گردیده است؟ قدر مسلم این که پیشنه فرهنگی و سنت کهن پایايش یافته مردم این خواهند داشت که زمان آن اوخر زمستان و اوایل بهار است. اغلب سنجاب‌ها تا ۴ نوزاد به دنیا می‌آورند که نوزادان بدون مو و با چشمان بسته به دنیا می‌آینند. وزن نوزادان در هنگام تولد حدود ۶-۴ گرم است. مادر تا هنگامی که نوزادان توانایی خروج از سوراخ را پیدا کنند به آن‌ها شیر می‌دهد که این زمان ۸-۱۰ هفته به طول می‌انجامد. نوزادان در حدود سن ۲۵-۳۰ روزگی چشم باز می‌کنند و در حدود سن ۱۵ روزگی بدن آن‌ها از مو پوشیده می‌گردد. سنجاب درختی یک حیوان بسیار خاصی می‌باشد. او یکی از نادرترین حیوانات وحشی است که با انسان‌ها وفق داده شده و یاد گرفته که با انسان‌ها زندگی کند.

سنجاب هم می‌تواند از غذای طبیعت استفاده کند و هم از غذایی که توسط انسان‌ها درست شده است. آن‌ها بزرگ‌ترین گروه از پستانداران هستند.

بیشترین فعالیت سنجاب‌ها در اوخر زمستان است، وقتی که فصل جفتگری فرا رسید. نرها به دنبال ماددهای افتادن. وقتی که دنیال کردن به پایان می‌رسد زمان عشق‌بازی شروع می‌شود. مراسم دنیال کردن بر روی درختان با سرعت بالا اتفاق می‌افتد. سنجاب بالغ به طور معمول به تهابی زندگی می‌کند اما در سرمای شدید آشیانه خود را با سنجاب‌های دیگر برای نگه داشتن گرامی بدن خود تمهیم می‌کند. وقتی که درجه حرارت بالا رفت، میهمان‌ها آشیانه را ترک می‌کنند. سنجاب پوشش آجیل را با دندان‌هاش می‌شکند. سپس آجیل را با لیسیدن یا مالیدن به صورتش قبل از دفن کردن تمیز می‌کند. این عمل یک بوی خاصی را به آجیل اضافه می‌کند که این کار به سنجاب کمک می‌کند بعداً آن را به راحتی پیدا کند. آراستن سنجاب نر درختی در برابر آراستن ماده هایشان می‌باشد. آن‌ها تمیزترین حیوانات در گروه جوندگان می‌باشند. چشمان سنجاب همیشه به دنبال شکارچی است و بندرت بر روی چیزی که می‌خورد تمرکز می‌کند. این حیوان ذیها همینک در منطقه ما به شدت در معرض شکار و آزار است. یادمان باشد که سنجاب فعل تربیت می‌شود. این حیوان است که جنگل‌های سوخته‌ی ما را با کاشتن دانه‌های بلوط می‌رویاند و ترمیم می‌کند.

سنجبهای در مناطق وسیعی از زیستگاه‌های دنیا از جنگل‌های استوایی تا بیابان‌های نیمه خشک یافت می‌گردد. سنجاب‌ها دارای بدنه کشیده، دم بلند و پر مو، دست‌هایی کوتاه و در عین حال پاهایی بلند می‌باشند. دست‌های دارای ۴ انگشت و انگشت شست تحلیل رفته و پاهای این جانور دارای ۵ انگشت می‌باشد. این پاهای بلند جهت پایین آمدن از شاخه‌های درختان و پنجه‌ها همانند قلابی گردد، جایگاهی ندارد. زمان بلوغ جنسی در سنجاب ۱۲-۱۸ ماهگی است. طول دوره فحلی ۱۴ روز و مدت زمان آبستنی ۳۰-۴۵ روز است. (بسته به نزاکاتی مختلف متفاوت است). آن‌ها در هر سال معمولاً یک تا دو زایمان به فاصله یک ماه از یکدیگر خواهند داشت که زمان آن اوخر زمستان و اوایل بهار است. اغلب سنجاب‌ها تا ۴ نوزاد به دنیا می‌آینند. وزن نوزادان در هنگام تولد حدود ۶-۷ گرم است. مادر تا هنگامی که نوزادان توانایی خروج از سوراخ را پیدا کنند به آن‌ها شیر می‌پستاند. آن‌ها با یکدیگر ارتباط صوتی برقرار می‌کنند، که در این هنگام صدای جیرجیرک از خود خارج می‌نمایند، اما مهم‌ترین وسیله ارتباطی آن‌ها دشان می‌باشد که در هنگام برافراشتن دم، به دیگر سنجاب‌ها اعلام دور شدن از محیط را می‌نمایند. پرش در این حیوان کوتاه بوده و در صورتی که از ارتفاع بلندی پرش نماید احتمال آسیب دیدگی و شکستگی پاهای بسیار زیاد است. آن‌ها دارای توانایی پرش درجا از روی زمین هستند به حدی که می‌توانند ۳۰-۵۰



سانتیمتر از جای خود پرش نمایند که در این عمل نیز دم نقش بسزایی دارد. سرعت بسیار زیادی در هنگام دیدن دارند به صورتی که میانگین سرعت در آن‌ها ۱۳-۱۶ کیلومتر در ساعت است که به نسبت وزن و جنگ سنجاب‌ها کمتر است. سنجاب‌ها دارای توانایی شنا کردن می‌باشد و از دم خود همانند پارویی جهت حرکت رو به جلو استفاده می‌نمایند، اما سنجاب‌ها تا وقتی که مجبور به شنا نباشند، شنا نخواهد کرد؛ چون ذاتا با آب میانه خوبی ندارند. آن‌ها جهت زندگی سوراخ‌هایی بر روی تنه درختان به وجود می‌آورند و کف این سوراخ‌ها را با برگ درختان و خاشاک مفروش می‌کنند. اندازه این سوراخ‌ها به حدی است که دو سنجاب در آن جای می‌گیرند. سنجاب‌ها دارای خواب زمستانی بوده و در محیط طبیعی در اوخر زمستان و اوایل بهار از خواب زمستانی بیدار شده و از سوراخ خود خارج می‌شوند. البته مدت خواب زمستانی بستگی به دما و شرایط محیطی دارد. طول عمر سنجاب می‌تواند تا ۲۰ سال باشد که این در صورتی است که عوامل محیطی و بیماری‌ها باعث مرگ آن‌ها نگردد. به هر حال عمر متوسط سنجاب ۵-۶ سال در نظر گرفته می‌شود.

بهترین غذا برای سنجاب دانه‌های روغنی، سبزیجات و میوه‌جات است. در عین حال گروهی از سنجاب‌ها همانند انسان، همه چیز خوار بوده و حتی می‌تواند از پیتا و استکهای گوشی استفاده



آرایه‌ی تکرار

مختار دانش

چه از نابودیم، چه از مهم بودنم سخن بگویم! در هر دو حالت به فقر فرهنگیتات می‌رسم.

همه‌ی شما دلایل نابودیم و راه‌های جلوگیری از آن را به خوبی می‌دانید اما، متأسفانه انسان‌هایی هستید که تعییرتات از انسان بودن فقط حرف زدن و حذف کردن است.

دیر یا زود خواهم مرد، اما چه مرگ و حشتاکی در انتظار دارم و کاش یکباره از بین می‌رفتم و مرگ تدریجی ام را نمی‌دیدم. شاید به جا ماندن اسم و رسمی بعد از مرگ آرزوی هر کسی باشد اما بدا به حالم برای روش اجرای حکم مرگ و خوشابه حالم که به آرزویم خواهم رسید.

خلایقی هستید که هیچ وقت نتوانسته‌اید لیاقت داشته باشید. نمی‌دانم چه گناهی داشتم که باید در جایی زاده شوم که بعضی از انسان‌هایش به طرز وحشتاکی دچار فقر فرهنگی! و فکری! می‌باشد و به روش خارق‌العاده‌ای فقرشان را توجیه می‌کنند و با کمال آرامش با این مصیبت وارد به زندگی شان ادامه می‌دهند. خوشحالم که تا چندی دیگر در میان‌تان زیست می‌کنم و سببی شده‌اید برای رسیدن به آرزویم.

ای انسان‌ها! مطمئن باشید که روزی به یاد خاطره‌هایم می‌افتد و کسانی که به اجرای حکم مخالفت می‌کردن و کاری از دستشان بر نمی‌آمد، با نابودیم از این دغدغه‌ی فکری نجات می‌یابند و تا حدی به آرامش روحی و زندگی بدون دغدغه خواهند رسید اما همین که در کنار این آرامش به یاد خاطره‌هایشان و به یاد روزهای که با هم بودیم افتادند، به جای آرزو و اشتیاق، در زندگی دچار غم و اندوه و ملال می‌شوند. غمی عمیق، دردآور و ناشناخته. دیگر مرگ برای من ماجرا به شمار نمی‌آید زیرا مدتی است که با آن دست به گریبانم و بزرگترین آشفتگی ام جدا شدن شما از اصل خود می‌باشد.

“ای مرگ، ای ناخداهی پیر، زمان حرکت فرا رسیده است، لئکن را بکشیم که این دنیا ما را ملال می‌آورد. ای مرگ، عزیمت را تدارک ببینیم. (پودلو)”

قالاب زریبار

نهنوه ره وشهن

ماوهی دووسال چالاکانه به بلاؤ کردنه‌وهی سی دی تراکت، پیشانگا، ریکختنی کوب و دانانی پولی فیزیکاری، پیشاندانی فیلم، پیشکهش کردنه و تاری کارناسه‌کانی له قوتا بخانه دواناوه‌ندیه‌کاندا و بهشداری کردن له کوبونه‌وه گشتیه‌کانی پیوه‌ندی دار نه خوشبزه‌کانی خوی. ئم ههولانه دهوریکی کاریگه‌ری له مهربان دا گیتا و هر له ماموستا و قوتا بی و خویندکارهوه بگره تا دهگاته بازابی و پیشک و ماموستایانی ئایینی و چینه‌کانی تری کومه‌ل خویان به ئندام و پشتیوان و یارمه‌تیده‌ری ئهنجومه‌ن زانی و ئهنجومه‌ن به گشتی بوو به جی متمانه‌ی خهلهک و به تاییه‌تی بوو به هاوده‌ر و پشتیوانی ئو و بنه‌مالانه‌ی که روکه‌کانیان تووشی ئیعتیاد بوبوون. دهسته‌ی سه‌په‌ره‌ستی ئهنجومه‌ن به پیی یاسای دامه‌زراذنی ریکخراوه ناحکمیه‌کان هر له سه‌ره‌تای دهس به کار بوونیه‌وه به رسمی و به نووسراو داوای مؤله‌تی له بپرپرسان کرد و کاره سه‌ره‌تاییه‌کانی و هک پر کردنه‌وهی فرمی تاییه‌ت و چون بؤ و هرگرتنی (عدم سو پیشنه) ئهنجام دا و چاوه‌پی هاتنه‌وهی مؤله‌تی ره‌سمی کارکردنی دهکرد. بهلام پاش تیپه‌پینی سی سال هیشتا به رسمی مؤله‌تی کارکردنی ورنه‌گرتوره و هر ئه‌مه‌ش بوو به هوی ئهوهی بهشی له و دائیره و دام و دهزگا حومیانه‌ی که له پیوه‌ندیه‌دا ئهکریان له سه‌ره‌شانه خویان له هاوهکاری کردنه ئهنجومه‌ن به بونه‌ی نهبوونی مؤله‌تی کار ببین و ئه‌مه‌ش ته‌گرهی خسته سه‌ره‌پی تیکوشانه‌کانی ئهنجومه‌ن و ماوهی سالیکه چالاکیه‌کانی راوه‌ستاوه یان کم بوبه‌ته‌وه و بهشیکی زور له دلسوزانی شاره‌که‌مان که ئندام، هوگر یان پالپشت و یارمه‌تیده‌ری ئهنجومه‌نی زیانه‌وه بون به دوای چاره‌نووسی ئهنجومه‌وه بون و دهسته‌ی بپیوه‌بری له ماوهی ئو و سالدا و به ئیستاشه‌وه شیلگیرانه له ههولی ئهودان به یارمه‌تی چاره‌سهر بکن و به تازه‌یی بهلینی نه‌هیشتني ئو بپرسه پیوه‌ندی داره‌کان ئم گیروگرفته ئیداریه گرفته‌یان پی دراوه. بی‌گومان بونی ئم ریکخراوه ئهتوانی گهنجانی ناوچه‌که‌مان له مهترسیه‌کانی تنووش بون به ماده هوشبزه‌کانه ئاگادار بکاته‌وه که هر روزه و به ناویکی نوی و له به‌گیکی تازه و برقیه‌داردا دیته ناو کومه‌ل.

نهنوه‌یه که شان به شانی ریکخراوه ژاواته خوازم ئهنجومه‌نی زیانه‌وه بو نه‌هیشتني ماده هوشبزه‌کان دیسان بتوانی چالاکانه‌تر له جاران ئهکه‌کانی خوی دهس پی بکاته‌وه و له پال ریکخراوه ناحکمیه‌کانی تردا بؤ گهشه و پیشکه‌وتني کومه‌لگا و ناوچه‌که‌مان ههول بدات.

به هیوای زیانه‌وه!

هر کومه‌لگایهک به دریزی‌ای ته‌مه‌نی تووشی ههل و مرجی جورا و جور دهی. هندی جار گهشه ده‌سینی و برهو پیشکه‌وتون ههندگاوه ده‌نی که له کاته‌دا ههمو توییزه‌کانی کومه‌ل و هک بهشیک له لشیکی ساغ به بنی هیچ گیروگرفتی ئهکه تاییه‌تیه‌کانی خویان به جی دین و ژیانی کومه‌ل مسوگه‌ر دهکن. بهلام جاروباریش له بھر سه‌ره‌پویی و که‌مت‌ره‌رخه‌ی کاریه‌دهستان، کومه‌لگا تووشی پهتا و نهخوشی دهبن که ئه‌مه دهبنی به لمپه‌پریک له ریگه‌ی گهشه و پیشکه‌وتني کومه‌ل. ئو گیروگرفتانه‌ی که ودک نه خوشیتیک کومه‌لگا به‌ره دواکه‌وتوبویی دهبن زورن که نه خوینه‌واری، ههزاری، بیکاری، سه‌ره‌پویی و نهبوونی سه‌ره‌ستی بؤ تاک و گروب ته‌نیا بهشیکن لیان. ده‌سه‌لات ده‌توانی بؤ پاراستنی کومه‌لگا له هر چهشنه داوه‌وختانیک به که‌لک و هرگرتن له هز و بیری خاوهن ریان و بیرمه‌ندان و به گهله‌لی گونجاو، بؤ نه‌هیشتني ئو نه‌هاما تیبیانه ههندگاوه‌لگری. هروده‌ها ئه‌توانی به پشت بهست به ریکخراوه ناحکمیه‌کان له قوولایی دلی کومه‌لگاوه بچی به گز ئو پهتایانه‌دا و ههولی ریشه کیش کردیان بدات. که‌واهه بؤ پاراستنی پیشکه‌وتودا بؤ دوزینه‌وه بچی به لایه‌نه پیویسته و ده‌سه‌لات به ته‌نیا و به بنی پشت بهست به رای گشتی کومه‌ل ناتوانی سه‌ره‌که‌وتون به دهس بینی. له جیهانی پیشکه‌وتودا بؤ دوزینه‌وه و ناسینی ئو شتائه‌ی که کومه‌ل برهو پیشکه‌وه دهبن یان ئه‌مه‌ش ته‌گرهی گرفت تووشی کومه‌ل دهکن و دوای دهخن، همول دراوه ههل و مرجیک فراهه‌م بکری که خهلهک له بهانبه‌ر کومه‌لگاوه ههست به بپرسایه‌تی بکا و به شیوه‌یه کی ئهکتیو له قالبی ریکخراوه ناحکمی دا له ههمو مه‌یدانه سیاسی، نابوری، کومه‌لایه‌تی و زینگه پاریزیه‌کان دا به‌شدارین. به‌خته‌وهرانه له شاره‌که‌ی ئیمه‌ش دا چهندین ریکخراوه خهلهک و خیرخواز به شیوه‌یه کی خوپسک سه‌ریان ههلاوه و سه‌ره‌پای بونی دهیان گیروگرفت له بواری جورا و جوردا خزمت به کومه‌لگا دهکن، که دهستگا حومیه‌کان ئه‌توانی بؤ چاره‌سهر کردنه بهشیکی زور له گرفته‌کان له هین، شاره‌زایی و پسپوری ئم ریکخراوه‌هه که‌لک و هرگرن.

نهنجومه‌نی زیانه‌وه بؤ نه‌هیشتني ماده هوشبزه‌کان یه‌کیک له و ریکخراوه‌هه که شان به شانی ریکخراوه خهلهکه‌کانی تر له شاری مهربان دا چالاکی خوی دهس پی کرد و بؤ دور خستنوه‌ی گهنجانی ناوچه‌که‌مان له ئهیچه‌یه که شاره‌که‌مان ههول بهشیکی زور له ئیعتیاد و ماده هوشبزه‌کان له دریزی‌هی ئه‌هوه‌ل و ههولانه‌دا که له مهربان دا بؤ دزایه‌تی له گهلهک ئه‌مه بهلا مال و ویران که‌ره له ئارادا بؤ ههولیکی زوری دا و بؤ



چه تلخ است که مریوان زریبار
را از دست بدهد!

بشا محمودی

امروز زریبار آرام و بی صداست و دامن چیندار خود را بر دشت گسترده است. شاید خواییده است! امروز روزی زمستانی است. چند پرنده بر فراز پرواز می کنند و کوه هایی را می بینم که اطرافش را احاطه کرده اند. کسی را می بینم که از او نقاشی می کشد و قایق های برف گرفته، ساکن، بی سرنشین و صامت در حاشیه آبش. حس می کنم که او هم سردش است. کسانی که به دیدارش می آیند معدودند. این روزها سرش خیلی شلوغ نیست. تابستان و بهار که می شود، سر و صدا و آلودگی مغزش را آشفته می کند. آن وقت ها شاید دلش می گیرد. دلش از قوطی های نوشابه و دوغ و دلستر می گیرد. دلش از پاکت های سیگار و نایلون های پفک و چیپس و آدامس و بستنی می گیرد و بلاخره دلش از آدم هایی می گیرد که بدون توجه به او که با نگاه بی صدایش می خواهد بفهماند - شیشه عمرش در حال شکستن است، از کنار او عبور می کنند. آنان چهره رنجور او را نمی بینند. شاید اگر می دانستند که زریبار چند

وقت دیگر ترانه و داع خواهد خواند، بیشتر به او توجه می کرددند و آلودگی را از چهره او می زدودند. اما او امروز ساکت و بی صدا دم بر نمی آورد. او امید دارد. با این امید دارد که مردم نگاه منتظر او را دریابند. ولی شاید این مردم روزی او را دریابند که دیگر چیزی جز بالاتلاق و گل و لای برایشان نمانده است و این چه تلح است. چه تلح است که مریوان زربیار را از دست بدهد. زربیاری که سرشتش با مریوان عجین گشته است. زربیاری که روزی روزگاری با مریوان ترانه های عاشقانه می خواند. شاید آن روز تلح اگر فرا بر سر مریوان گریه کد و شاید اگر زربیار می داشت بزرگترین دریاچه آب شیرین و سرمایه یک کشور است و این چنین مورد بی لطفی است، چمندانش را پر می کرد از لباس هایش و می رفت، می رفت به جایی که بهتر تحویلش بگیرند و کسی چه می داند، شاید کسی آن را در گوشش گفته و او با این حال فروتنه مانده است. او به مریوان وفادار است، باید مریوان هم به او وفادار باشد و گرنه بعيد نیست روزی نظاره گر مرگ تدریجی دوست زیبایش باشد و نظاره گر تولد بالاتلاقی تیره و تار. مردم باید او را در ک

فروید!

“زینگه پاریزی له گوندہ کانی ناوچه‌ی مه‌ریوان” (۳۵)

ناساندنی ژیان و ژینگه‌ی گوندی خیر ئایاد

کاتنه‌ی هیزه کانی روو له بیران ده کهن، له لایه‌ن بنه‌ماله‌ی حمه‌معلو به‌گ خرمت گوزاریان ده کریت. پیوه‌ندی شیخ محمد محمود و ئه‌و بپریزه لهو راده‌یدا بووه که شیخی نهر له سلیمانی میوانداری شهريف به‌گ و حاجی توفیق به‌گ، کور و کوره‌زای حمه‌ه عهله‌ی به‌گ ده کات. گوندی خیرت‌آباد، که سانیکی گهوره‌ی دیکه‌ی و که حاجی ماموستا مهلا مه‌مود، حاجی عه‌بدول‌حسین، سوئی ئه‌حمد و تیدا بیوه.

خبرتایاد له ئاسهواره كونه کانیدا، دوو قەللايى كۆنی وەك ملۇوانکە يەكى زىپین لە مل كىردووھ. يە كەميان: قەللايى كانى زەردەد و يە كىي لە سەيرانگا جوانە كانى ئەم تاوايىيە. بەلام بە داخىوه، ئەم قەللايى لە دەس تالانچىانى كەلتۈرۈ و شارستانىيەت نەپارىزراوه. دووهەميان: بە قەللايى جنان ناسراوه، كە لە بىردىم ئەم گۈندەدايە و لە سەر ياللىكى بەرزىدايە كە ئەم ياللهش هەر بە قەللايى جنان ناسراوه. ئاسهوارىيەكى مىزۈوبى و كۆنی دىكەي خېرتاياد، بەرددە مامىنەيە، كە ئەم بەرددە بە قورساقى نىيو تۇن لە شىيەھى ئاسماينىيە، كە زۆر جوان، دىمەتىكى سەرنج راكيشى ھەيە و ئاسهوارىيەكى كۆن و مىزۈوبىه.

به لام دیار دیه کی ناحزه، روو له شار کردنی خدلکی ئەم گوندەدیه. كه تا ئىستا زیاتر له ۱۰۰ بنه مالله، ئەم گوندەيان به جىچ ھېشتووه و بەرهو مەريوان شويئەكانى دىكە كۆچيان كەر دووه. ئەم ئاوايىه ئىستە ۴۰ بنه مالله لى ئىشته جىن.

دانیشتوانی خیرتارا به گشتی به کشتوکال و تازه‌لداریه و خدریکن. به لام کوک درنهوهی چاچکه له دار قه‌سوانه کان و بردهم هینانی گهزو و ههروههه هنگ داری و دروست کردنی سوفالی خومالی، بهشیکی دیکه له داهات و بدردهمی خدلک، نعم گوندبه.

خیرثاباد گوندیکی پر دارستانه و دارگهله که؛ قهزوان،
گوگوییش، چواله، هرمی کینی، بالاولوکی کیبوی و دهیان دار و
رووه کی دیکه له دهورووبه و همرده کانی ئەم ده گایه
دەبىنېت. هەروھا خاکى زھوی و دەشته کانی خیرثاباد
خاکىکى پر بیت و بەنرخە، كە بەداخەوه بەھۆي نەبوونى
ھەچ بەرۋەدە يەك رىك و بىك لە بوارى ئاوپارى و مکانىزە
كىركدنى كشتوكال و جادە و رىگاوابان، لە سەر زھوی و خاکە
دەدۇلەمەندە كەي كار و كوششى ئەتو تۆ نەكراوه.
دەدۇلەمەندە كەي كار و كوششى ئەتو تۆ نەكراوه.

له بهشی دایین بونی پیداویستیه کانی خیرثاباد،
خوختندنگه یه کی سدهره تایی، یانهه تهندروستی، پرژوهی ٹاوی
خواردنوهی خاوین: بدرق و تملهفون، دایین کراون. بپیاره
بهم زووانهش پرژوهی گازی لوله کیشی جی به جی
بکریت.

بو دهوله مهند کردنی ئەم بەشە، لە سەر ناساندەنی
زىيان و زىنگەي ئاوايىه كان، پىويسىتە هەموو
زانىيارىدەكى مىيّزۈوبىي، جوغرافيايى، سروشىتى،
زىنگەيى و كلتورى زىنگەپارىزى، هەروھا
خزمەت گوزارى و پىداويىستى و كەم و كۈورىيە كانى
گوندە كە لە بەرچاۋ بىگىرىت. بە داخەوه تا ئىستا لە
زۇرىبەي بەرھەمە كانى پېشىوودا، كەم و كۈورى زۆر
لە سەرچەم ئەو زانىياريانەدا دەبىنرىت. هەر بۇيە
لە دۆستان و دلسۈزانى "چىا" داوا ئەكەين لەم
بوارەدا ھەولى زۆرتە بىدەن.

له هدّقهی ئەمچاره ماندا له رېگای کاک فاروق
ره حیمی، ئاوايی خېر ئاباد تان پى دەناسىتىن.

”چیا“

ئەگەر لە شارە خنجيلانە كەي مەريوانە وە ٢٣ كىليومىتەر بەرەو باشۇورى رۆزىھەللاتى ئە و شارە بجۇولىتىن، دواى تىپەپ كەرزى شارۆچكەي بىيە كەزە و گۈندى مېڭ، دەگەن بە دارستانىيەكى چۈپۈپ سەرسەۋەزو خۆش بوار كە گۈندىيەكى رازاوهيان ھەر مېتە لە باوهش خۇيان گرتۇوە، كە ناوى خېرى ئابادە.

خیر قباد، وہ ک بدل اچووان و پیشینانی تھو گوندہ
باسیان کر دووہ، تا ئیستا ۳ جیگھی بو خوی گپریوہ کہ تھو
گوپان کاریہ به هوی چوئیتی کھش و ههوا و بارو دوختی
تھو زہمانی خوی بووہ کہ دواین جیگھی ههل
دھ گھریتھو وہ دھورانی تھو ولی قاجارہ کان.

له ئاسارى دووهەمین جىنگەي خېرتاباد، لەتە سوالىتە كان و
كەل و پەلى ئەو سەرددەمە و مزگەوتە كەيدەتى كە بۇوەتە
تەپۈلگەيدە كى خاکى چۈكۈلە. هەروھا چىرۇكى شىمشىزىرىنى
ئالىتوونى ناو ئەو مزگەوتە بۇ ھەميشە لە سەر زارى خەلک

ئاسهوارىيکى دىكەي گوندى خېرىقاباد، مهزارى ئەسحايىكى پېغەمبەرى ئىسلام، بە نۇپۇر وەللىدە، كە ئىستا ئەو مهزارە بۇۋەتە زيارتىگى، خەڭى، گەندو هاۋالاتان.

دهسه‌لایتدار و خانی خیرنگاباد که سیک بوه به نیوی حمه
عه‌لی به‌گی خیرنگاباد، که گوندنه‌کانی سفرکه‌ل و
شیخه‌کوپرهش له زیر دهسه‌لایتیدا بوروه. پیاویکی زانا و بهز
و به هزی بوروه. له سه‌ردنه‌می شیخ مه‌حمودی نهر، نه و



تاراج زندگی در کوهساران زاگرس!

کوروش امینی‌نودشه

فرصتی برای تخمگذاری مجدد پیدا نمی‌کنند و توالی ادامه نسل از بین می‌رود.

در عرصه درختان جنگلی هم قطعه درختان برای تهیه سوخت روستاهای حاشیه و نیز سوخت دامداران و شکارچیان برای ساختن پناهگاه و دیگر استفاده‌های غیر معقول و غیر معمول، کوهستان را به بدن‌های خالی از درخت و عربان از پوشش گیاهی تبدیل کرده است که این خود با توجه به بلندی‌های برفگیر کوهستان‌های زاگرس در مسیر کوه‌های مناطق لرستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان تا آذربایجان غربی و شرقی و ... زمینه را برای رانش برف و بهمن مساعد کرده و دیگر اتفاقات بعدی که

هر ساله در منطقه‌ای از این پهنه جغرافیایی از جمله در منطقه هورامان شاهد آنها بوده و هستیم. در مسیر رودخانه سیروان نیز وضع بر همین منوا بوده یا شاید هم و خیم تر باشد. این حوضه مهم آبریز، زیستگاه انواع ماهی‌ها و جانوران آبزی است که آن

هم چند صباحی است مورد تهاجم دست انسان واقع شده و فاضلاب و زیله روستاهای مسیر در آن تخلیه می‌گردد که علاوه بر آنکه باعث ضرر و زیان به محیط رودخانه و آبزیان ساکن آن می‌گردد؛ اکوسیستم رود را بر هم زده و از سوی دیگر در فضول کم آبی غلظت آن و پاک کننده‌های موجود در آن زیاد شده و هر آن امکان بروز یک اپیدمی بیماری واگیردار و پتانسیل گسترش آن را در خود حفظ می‌کند. علاوه بر آن وارد شدن

انواع و اقسام فلزات، کف و مواد آلی و معدنی به اکوسیستم رودخانه ترکیب آب رود را تغییر داده و نفوذ و دخول این سومون و فلزات به بدن ماهی‌ها در دراز مدت باعث بروز انواع سرطان های مرتبط شناخته و ناشناخته می‌گردد. از این‌ها گذشته ماهیگیری بی‌قاعده در مسیر رودخانه با اقسام وسایل و روش‌ها از

جمله دینامیت، استفاده از نوعی سومون کشند، استفاده از نیتروی برق و حتی پودر پرکلرین علاوه بر اینکه بی‌رویه ماهی‌ها را کشته و حیات آبزیان را به خطر می‌اندازد؛ استفاده از برق و پودر پرکلرین و دینامیت تمام موجودات ساکن اکوسیستم‌های نامبرده را اعم از بزرگ و کوچک، قابل مصرف و غیر قابل مصرف و در کل هر آن‌چه را که حی و زنده است می‌کشد که این خود ضرری غیر قابل جبران برای محیط زیست و حیاط طبیعی منطقه می‌باشد.

عزم و اراده‌ای جدی و نیز کمک و مساعدت سایر ارگان‌های ذی‌ربط می‌طلبد که برای جلوگیری از تخریب بیش از پیش منطقه کمر همت بسته و آستین غیرت بالا ذیفیم تا با سربلندی و عزت محیط زیست را به نسل آینده هدیه کنیم. در این راستا تشکیل کمیته‌ای موکب از تمامی سازمان‌های غیر دولتی مرتبط و علاقه مند و نیز افراد روشنگر و متعهد، ادارات محیط زیست، منابع طبیعی، جهاد کشاورزی و هر وجدان آگاه و بیداری شاید موهمنی باشد بر این زخم نمک پاشیده قبل از اینکه چرکین شده و منبع عفونت گردد.

هر چهارچوب اصولی زمینه برای فراسایش خاک و در نتیجه بروز سیل و شستشوی خاک فراهم شده و می‌رود تا در

آینده‌ای نه چندان دور شاهد خسارتی جiran ناپذیر در منطقه باشیم. نیز نبود پناهگاه (در اثر از بین رفتن پوشش‌های گیاهی و درختچه‌ها) جهت تخمگذاری پرنده‌گان همین سیکل معیوب را البته در ابعاد و خیم تر آن تکرار می‌کند. خود همین عامل به تنها استوار پرنده‌گان و دیگر حیوانات وحشی را از دید شکارچیان مشکل کرده و شکار آن‌ها را آسان می‌نماید.

در همین راستا برخی اوقات دستگاه‌های مسؤول خلاف قوانین زیست محیطی عمل کرده و به نوعی تخریب محیط زیست و

شکارهای سنتی که خارج از هر روال و قاعده‌ای می‌باشند را ترویج می‌دهند. به طور نمونه صدا و سیمای مرکز کردستان در مورخ ۱۳۸۴/۶/۷ در برنامه «شنهی شه وانه» شکار چند کبک کوهی یا به دام افتادن آن‌ها را با چنان آب و تابی به دست شکارچیان نشان می‌داد که بوبی از ظرافت و لطفات و فواید طبیعت را در ک نکرده و با البابی شکار اصولی آشنا نبوده و نیستند؛ حتی به این نیز راضی نشده و بعد از این صحنه‌ها صیادان مغور و سرمست!!! از شکار کبک لاشه کشته شده آن‌ها را در دست گرفته و به همدیگر نشان می‌دادند. که این خود به نوعی باعث ترویج ویرانی زیست بوم اطرافمان و شکار بی رویه و دیگر پیامدهای منفی آن از یک سو و مرسوم شدن و عادی جلوه کردن آن نزد مردم و به خصوص نسل جوان و کودکان می‌گردد که پیامدهای فرهنگی آن ناگفته از قبل هویدا و می‌تواند تا چه حد ناگوار و جبران ناشدنی باشد.

جهت واشکافی بیشتر بحث، همان جاهایی که زمین خشک و بایر شده است به علت شیدار و پر باران بودن منطقه این امر (از بین رفتن پوشش گیاهی) باعث بروز سیلابها و ویرانی های عظیمی در منطقه شده و حتی حیات انواع و اقسام پرنده‌گان و چرند کان را در معرض تهدیدی جدی قرار داده است. مضاف بر آن با عنایت به تخمگذاری انواع پرنده‌گان در زیر بوته‌های کوهستانی و علف‌های خودرو هر ساله تعداد زیادی لانه پرنده‌گان در زیر پای دامها خراب شده و تخم‌های پرنده‌گان له و لورده و تلف و چرخه حیات به همین سادگی قطع می‌گردد. یا به علت عدم آشناشی شکارچیان مناطق مزبور با شکار اصولی و طبق قاعده و قانونی معین و طی فضول مشخصی از سال، گاه شکاری باردار یا تازه زایمان کرده شکار شده و سرنوشت نسلی کمیاب از حیوانات نادر منطقه به علت دچار شده و زنجیره‌ای از تاریخ بقا با ندانم کاری تی چند از شکارچیان ناآگاه قطع می‌گردد. همین سیکل معیوب در مورد پرنده‌گان هم قابل تکرار و آن موعد، موسیمی است که پرنده‌گان در اوان نطفه بندی بوده و یا تخمگذاری کرده و منتظر سریر آوردن جوجه‌ها از تخم می‌باشند که در این هنگام چرای بی رویه دامها و نبود مسولیتی دلسوز در دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله جهاد کشاورزی، محیط زیست و منابع طبیعی در اغلب زیستگاه‌های منطقه زاگرس، زمین بایر و خالی از چمن و علفزار مشاهده می‌گردد. با چرای بی رویه و خارج از

شده!

شده، سلام! خیر بهی سه رو چه مه کام!

و هش نیش تینه ره، سه رو بان یوه، پاکیت ناوردنه. ناواتی به رزم!

پیس و چه پهليت، تو سر یه نوه وها!

به شیک له شیعری «برف» له کتیب «باغ آینه»

له حمده‌ی شاملو

سلسله جبال زاگرس شمالی که کوهستان‌های شامو، درین، تخت و دلانی و... با دره‌های پر پیچ و خم و سرسیز دریبر، نوشه، دره‌های منشعب از روستاهای ناو، پالنگان، دیوزناو، جولانده، دلمز، زوم، روار و... که به رودخانه خروشان سیروان منتهی می‌شوند؛ تا تپه‌های گردنشک قمچیان و چل چمه و کوه‌های سر به آسمان ساییده کوری مریم و قله به رد و دره‌های منشعب از کوه‌های منطقه کوماسی و جانوره و دشت‌ها و جلگه‌های حاصلخیز مریوان و اطراف و... جزیی از آن می‌باشند، رستنگاه انواع و اقسام گونه‌های درختی، درختچه‌ها و پوشش‌های گیاهی بی نظیر یا کم نظیر است که متشابه آن در کمتر نواحی طبیعی ایران یافت می‌شود.

علفراها، گیاهان و گل‌های خوشبو با خواص دارویی و استفاده‌های زیستی و خوراکی که بسان عقیقی بر انگشتی زاگرس خودنمایی می‌کنند، همراه با انواع و اقسام درختان از ون و بلوط و زالزالک گرفته تا بادام و حشی و گونه‌های بومی که که و برا (آلبالو و حشی) تهینه و ... چند سالی است که مورد هجوم بی‌رحمانه افراد نا آگاه و گاه بی مسولیتی واقع شده است که دل هر انسان آگاه و دوستدار صلح و سبزی را به درد می‌آورد. روزگارانی بود که کوهستان‌های زاگرس جولانگاه و عرصه تاخت و تاز انواع حیوانات وحشی از گرگ و گراز، خوک و بیر و بلنگ و خرس گرفته تا انواع گونه‌های کمیاب و بومی بز وحشی، کل و قوچ و غزال تیز پای زاگرس و... بوده و مسکن و آرامشگاهی برای پرنده‌گان محلی و بومی منطقه بسان کبک و شاهین و عقاب سیاه. اما اکنون با اظهار تاسف مشاهده می‌شود که شکار بی رویه و قطع درختان جنگلی آن هم از نوع نادر آن در نواحی یاد شده و چرای بی حد و خارج از اندازه دامها حتی دام‌های استان های مجاور زیستگاه حیات وحش را مورد تهدیدی جدی قرار داده، به طوری که آن پوشش گیاهی بکر و نوع زیست محيطی و حیوانات بومی منطقه و جنگلی بودن درختان از بین چند گفت که در عرصه پوشش گیاهی با چرای بی رویه دامها و نبود مسولیتی دلسوز در دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله جهاد کشاورزی، محیط زیست و منابع طبیعی در اغلب زیستگاه‌های منطقه زاگرس، زمین بایر و خالی از چمن و علفزار مشاهده می‌گردد. با چرای بی رویه و خارج از



جۆلادە

ریبان آشینە

اکل بفواهید شهوری زیبا و سرسبز، کشوری در فشن و فرم و دنیای آباد داشته باشیم باید تمام انسان‌های کردی فاکی به فضوی ماکوکان و نوبوانان برای توسعه‌ی ممیط زیست، فعال و کوشنا باشیم، باید در حفظ بنکل‌ها کوشنا باشیم. بنکل‌ها به قاطر پوب و کاغز سازی، کشاورزی و شهرسازی‌ها تابود می‌شوند. با تابودی چنکل‌ها، جانوران در معرض قطر تابودی قرار می‌گیرند، پون ممیط زیست و غذای فود را از دست می‌دهند. کازهای ناشی از سوخت اتموبیل‌ها موجب آلودگی هوا و فاک می‌شود. این کاز‌ها علاوه بر از بین بردن کیاھان سبب بیماری انسان می‌شود. اکل آتش را مها رکنیم سبب زیان‌های بسیار می‌شود. کازی آتش سوزی در بنکل‌ها اتفاقی می‌افتد و در فتان زیادی را می‌سوراند و تابود می‌کند. دلم برای در فتان می‌سوزد. برای بچه سموره‌های که در آن در فتان لانه دارند می‌سوزد و کریه می‌کنم. با فورم می‌کویم کاش من هم می‌توانشم با بچه‌های انجمان بروم و آتش را فاموش و به بچه سموره‌ها کمک می‌کدم آفر آن‌ها نیز مثل ما بچه هستند. نمی‌توانند فرار کنند. زیلان مصطفی سلطانی

دلگه‌رمیه‌و په‌سندی ئەکەم. ئەمە بپیاری خواوه‌ندیشە. هیوادارم هر دوومان زوو رزگار بین.

مشک و تى: کاتى لیت نزیک بومه‌و، له گەلەم میھەبان به، تا ئەو دوژمانه‌م، بیوه‌ری و ناھومید بین.

کتك بەئىنى داو و تى: تا ماوم سپاسگوزارت دېبم.

ئەمچار مشک چووه پېشتره‌و له گەلەم پشيلە، چاک و چلۇنىيە کى گەرميان كردو، رىق و كونەبۈو بە تەواوى ناھوميد بۈون و لەو شوپىنه دوور كوتىتەوە. مشک بە لەسەرخۇيى كەوتە پەچەندىنى تالى داوه كە. پشيلە پېي و تى: "زوو ماندۇو بۈويت ئەتىۋى پەيمان شكتىنى بکەيت؟"

وەرگىپ لە فارسييەوە: ئەمین عەزىزى

لە چيرۆکە کانى؛ كلىلەو دەمنە



دەگىپ ندوه؛ مشكىك كولىنە كەى لە ژىرى دارىيىكى گەورەدا ئەبىي و پشيلە يە كېش لەو تۈركانە ژيان بە سەر ئەبات. رۆزىك راوجىچەك لەو دەروروبىرە داۋىك دەنیتەوە، بە رېكەوت پشيلە كەى پېۋە ئەبىي. لەم كاتەدا مشك بۆ پاراستى گىانى خۆم، هەموو تالە كانى ئەم داوه، جىڭە لە يەك تالى، دەپچەرىنىم، ئەو تالەم كاتى دەپرەم كە تۆ كارىيىكى گىنگىز لە گىتنى منت بۆپىتە پېشەوە.

بەم شىوه مشك، هەموو تالە كانى داوه كە چەپاند و تالىيىكى زۆر پەتھوی هيشتەوە.

لە ترسى پشيلە كەش؛ نەيدەپىرا بەرەم پېشىش بېرات.

لەم باروو دۆخەدا مشك لە گەلەم خۆم كەوتە بېرۇ و تىپە: "لە كاتىكى ئاۋەھا ترسناك و ناھەنە، تەنیا رېنگا، ئاشتى و سازان لە گەلەم پشيلە دايە. ئىستە كە ئەم دۆزمەنەم لە داوه تووه و بىي يارمەتى من رزگارى نايەت، ئەگەر ئاقلىق بىت، من ئەو رزگار ئەكەم و ئەبىن بە دۆست و بەم جۈرهە هەر دووكمان نەجانمان ئەبىت."

مشك بپیارى دا و خۆم گەياندە نزیك پشيلە كە و پېيى و تى: "من بە راستگۈي پېت ئەللىم، هەميسە و بۈوه كە خەمى تۆ شادى من بۈوه و شكسىتى تۆ تاواتى من. بەلام ئەمەرە لەم مىسىيەتە تۆدا بەشدارم و نەجاتى من لە رزگارى تۆدايە. بۆيە دەبىمە هاۋپى تۆ و لەو داوه ئازادت دەكەم. بېرام پىي بکە هيچ گەپ و گىچەلىك ناتىمەوە. ئەمە دوو دۆزمەن (رسقىك و كونەبۈوەك) بۆسەيان بۆم ناوه‌تەوە. بە نزیك بۈونەوەم لە تۆ، ئەوان هيوايان دەبپىهەت. ئەگەر ئەمانىم بىدەيت، هەم من دەگەم بە خواستى خۆم و هەم بەندى داوه كە تۆش دەپرەم و رزگارت ئەكەم. لەم كارەدا دەرنگ مەكە و مەتمانەم پىي بکە. لەم كاتىدا ژيان و رزگارى هەر دوو لامان بە توندى پېكەمە گرى دراوه."

پشيلە كە ئەمە كە مشك بىست، شادمان بۈوه و تى: "بە روونى لە پەيامە كەت تى گەيىشىم. زۆرم پىي باشه و بە



کەله کیویه بەفرینه، چ سریکی در کاند؟!

ئیبراھیم ئەدوایی

له گەل بارینی بەفریکی زۆر بە مل گوند و چیا و دەر و دەشتی ناوچە کەماندا، ئەنجومەنی سەوزى چیا، بە ناردنی کورتە پەیام بۇ ئەندامانی خۆی، ئاماھە پیشوازیە کی گەرم له زستانیکی سارب بۇو. مەیدانی باوەرەشی بۇو بە میوانداری دۆستان و ھاوشاریان، تاکوو پېنگەوە ھەستى بەتىيان لە گەل جوانى پەیکەرتاشىدا، تېكەل كەن و پەیکەریکى قىت و پر لە فیزى "کەل" بخولقىنن.

دواى چەند کاتزەنگىچى جوولان و گۆکردنەوە بەفرىکى زۆر، کەله کیویه کى سېپى و قۆز، شان و ملى دەر هيپنا و بۇو بە هيمايە کە جوانى. بە جۆرىک کە سەرنجى ھەموو جوان پەرەستانى بەرەو لای خۆى راکىشى. زۆر پېمان خۇش بۇو میواندارى کەلىکى جوان و فرزى شاخە بەرزە کانى ھەورامان بۇوين. بەلام بەداخەوە تەھەننى کورتى بەفر دەرفەتى نەداو، بە رونى ئەوهى خستە بەرچاۋ کە ئەگەر دەس لە راو و كوشتنى کەله کیویه کان نەكىشىرىت و پارىزگاريان لى نە كرپىت، وە ئەو پەیکەرە بەفرىنەی کەله کیویه کە لەو پەپى جوانى و فيزەوە بەرەو ئاسمان راوه ستابۇو، دەرمىت و داخى نەمانى ئەويش كونجىيەكى ترى دلمان دەسۈوتىنى!

چىاى كوردىستانە كەمان!

خۇشحال بە.

ئەمجارەش بەفراوى ھەورە کانى زستانى ھاتە خوارەوە تا بە سەوزر پاگرتىت، چاۋى نا حەزانى كۈزۈركات و ئۇمىت و خۇباوەپى بەخشىت بە سەوزر بىرانت.

شماره تەماش: ٩١٨٥١٥٢٤٨٨

پیام مردم

- آيا مى دانىد کە سالانە بە طور متوسط در هر دو ئانىي يىك لىتر فاضلاپ از روستاهای کانى سېپىكە و پېر صفا بە طور مستقىم وارد تالاب زریبار مى شود؟ اين در حالى است کە هر لىتر شیرابە و فاضلاپ چەمار متر مكعب آب را آلووە مى كند.

- از ادارە بەزىستى مریوان بە خاطر جمع كردن متکىدىان بە وېزە متکىدىان غېر بومى (افغانستانى و پاكسستانى) كمال تشكى را داريم و اميدوارىم اين گونە اقدامات هەمچنان ادامە داشتە باشد.

- از مسئۇلىن شهردارى مى خواھىم وضعىت نا مطلوب سېزە ميدان جنب مسجد ھەزارا را ساماندەھى كند تا شايىھە تغىير كاربرى آن جا، از فضای سېز بە تجارى، در بىن مردم تقويت شۇد.

- لطفاً مسئۇلىن شهر فكىرى براي كف بازار سرپوشىدە شهر بنمايند کە آب خىابانەت اطراف بە آن جا مى آيد و قىسىتى كە براي لولە كشى كىنە شادە است تمام بازار را گللى كىرده است.

- از شهردارى محترم مریوان خواھىش مى كىنم براي جلوگىرى از بى نظمى و ترافيك در سطح شهر مکانى را براي ماشىنەت مىيەه فروشى در نظر بىگىرنى.

(شەپىرىزىنگىن كەمان)

- از شهردارى مریوان اين سوال را دارم کە آيا خودشان وضعىت ويران خىابان مىتىي بە ترمىنال از سمت ميدان مىيەو و تەرە بار را تحمل مى نمايند کە ما شەروندان تحمل كتىيم؟ (أميد حسین زاده)

چولە كەى بال تەزىو!

كە نامۇنى، وەك رەشەبا، ھەلە كات و پېندەشتى ئارامەم دەبپى،
كە خەم، وە كۇو قەلە رەشەكە لە بەر دەر كەى ژۇورە كەمدا
بالە كانى دە كاتەوە، من چۈلە كەى بال تەزىبى
خەمە كانى خۆم ھەل دە گرم دەرپۇم، دەرپۇم
تا تىشىكى چاۋى مندالىك دەدۇزمەمە
فرپىن وە بېر چۈلە كەى خەم دەھىتىمەمە
كە چى گىانە!
زۆر جار بە چاۋى خۆم دېيۇمە
كە منالان لەم شارددادا خەفتە دەخون،
وە كۇو بېتچەپە مراوى دىن
الە دەرياچە چاۋى تۆدا خۇيان دەشۇن!

"عە بىلۇلا پەشىي"

رَاو و كوشتنى سمۇرە، تىا بردى دارستانە

سمۇرە بە ھۆى كارامە يىه وە لە ژيانە وە دارستان بە تايىھەت لەم ئاگرستانەدا

جيڭگاي رېز و سەرنجه.

بە داخەوە ژيان و مانى سمۇرە كە وتۆھە ژىر تەۋەزى مى قې بۇون و تىا چوون

كوشتن و رَاو كردىنى سمۇرە زۆر جيڭگاي نىگە رانىيە و ئەگەر بەرە پى نە گىردرى، لە ناو چوونى سمۇرە و دارستان، كە بۇونىان بى يە ك دژوارە، حەتمىيە و بۇونى دووبارە يان مەحالە.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.